

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2018Y3N8A26 ISSN-P: 2538-3701

سیر تحول جرم اختلاس در نظام کیفری ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۱۲)

هادی نوری

پژوهشگر و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

یکی از شایع ترین جرایم مالی سوء استفاده کارکنان و مأموران نسبت به اموال سپرده شده به آنهاست که تحت عنوان جرم اختلاس مورد بررسی قرار می گیرد. قدمت این جرم به طول عمر جوامع بشری باز می گردد که نشان دهنده اهمیت بالایی توجه به این جرم می باشد در این نوشتار سعی شده روند قانون گذاری مربوط به جرم اختلاس و تحولات آن را مورد بررسی قرار دهیم و در نهایت و نتیجه گیری به شناخت کلی جرم اختلاس بپردازیم. برخورد با جرم اختلاس در نظام کیفری ایران از سال ۱۳۰۴ با تصویب قانون مجازات عمومی و اختصاص مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ این قانون آغاز شده اما از سال ۱۳۶۷ با تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مجازات جرم اختلاس تشدید یافت ولی این امر کافی نبود تا اینکه در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی شدت این جرم بیشتر شد و قانون گذار به درستی به این نکته پی برد که این جرم را غیر قابل تعلیق و تعویق بدانند.

۱۶۵



بند اول: جرم اختلاس در نظام کیفری ایران پیش از انقلاب اسلامی

تا پیش از انقلاب مشروطیت در کشور ما قوانین مدونی وجود نداشت و برای رفع اختلاف از احکام و مقررات اسلامی استفاده می شد و برای رفع خصومت ها و کیفر بزهکاران نیز حکام و قضات مأذون از طرف آن ها به میل و اراده خود به شکایات رسیدگی کرده و آئین و رویه قضایی وجود نداشت و کیفرها غیر متناسب و معمولاً ظالمانه بود در امور جزایی معمولاً اعمالی جرم محسوب می شد که در شرع حرام و مجازات هایی از انواع دیه و قصاص و حد و تعزیر برای آن وجود داشت و بنابراین اختلاس نمی توانست بیش از ربودن مال غیر به صورت پنهانی مصداق داشته باشد زیرا در شرع و به نظر فقها اختلاس همان ربودن مال منقول متعلق به غیر به صورت خفیه و پنهانی است و دلیلی وجود نداشت که اختلاس را به معنای امروزی یعنی جرمی که به اعتبار مأمور رسمی و غیر رسمی دولت بودن مرتکب و سوء استفاده او از موقعیت قانونی خویش متصور است تلقی کنند. بعد از پیروزی انقلابیون و امضاء فرمان مشروطیت به وسیله مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۱۴ هجری قمری برابر با ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی تا اوایل سلطنت پهلوی قانونی مدونی وجود نداشت که تعریفی از جرایم کرده باشد تا این که در سال ۱۳۰۴ قانون مجازات عمومی به تصویب رسید که ماده ۱۵۲ و ۱۵۳ آن در مورد اختلاس بود و مقرراتی را در این زمینه وضع و مرتکب اختلاس را معلوم و مجازات مرتکبین را برحسب مورد تعیین نمود. ماده ۱۵۲ این قانون مقرر داشت:

« هر یک از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین اسناد صندوق دولتی که نقدینه متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد و مطالبات که به منزله نقدینه است یا اوراق حوالجات یا اسناد منقوله را که برحسب وظیفه سپرده شده به آنهاست اختلاس یا هر تصرف غیرقانونی نماید به علاوه رد مال و تأدیه غرامت معادل نصف مال محکوم به انفصال از خدمت دولتی از یک تا دو سال خواهند گردید. » وفق این ماده برای تحقق وقوع اختلاس اولاً سوء نیت مختلس باید احراز می گردید پس اگر ذی حساب اداره دولتی به علت خراب شدن صندوق و یا بدون حفاظ بودن عمومی آن وجوه را به منزل خود می برد که روز بعد آن را به اداره باز گرداند مرتکب اختلاس نشده است ثانیاً اموال و اسناد مذکور در ماده ۱۵۲ باید به آنها سپرده شده باشد والا اگر کسی به



سمت تحصیل داری تعیین و قبل از تحویل گرفتن مرتکب جرم شود عمل او مشمول ماده ۱۵۲ نبوده ممکن بود با جرم سرقت تطبیق کند ثانیاً مرتکب باید کارمند دولت باشد. در مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ قانون کیفر همگانی برای مختلسین و مأمورین دولتی که مرتکب بزه های مذکور در مواد مزبور می شوند کیفر حبس و جزای نقدی پیش بینی شده بود ولی در ماده ۲ قانون مجازات مختلسین اموال دولتی مصوب ۱۳۰۶ که در تکمیل مواد مذکور تصویب گردید ذکر شده است اشخاصی که پس از تصویب این قانون مرتکب جرم های مندرج در مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ شوند علاوه بر مجازات های مذکور در مواد فوق الذکر به کیفرهای زیر محکوم خواهند شد. هرگاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از ۵۰ تومان باشد حبس جنحه ای از ۶ ماه تا دو سال و هرگاه میزان بیش از ۵۰۰ تومان باشد حبس جنایی درجه ۲ از ۲ سال تا ۱۰ سال در ماده ۳ قانون مذکور قید شده است انفصال از خدمت دولت که در موارد سه گانه مذکور بطور موقت معین گردیده ابدی خواهد بود. در سال ۱۳۰۷ قانون طرز تشکیل و رسیدگی دیوان جزا به تصویب رسید و متمم آن نیز در سال ۱۳۰۸ تصویب شد بعداً موارد متمم و ماده واحده و تبصره های متعدد در ۱۳۰۶/۹/۱۶ و اسفند ۱۳۰۷ و ۱۳۰۷/۱۰/۲۰ و ۱۳۰۷/۱۲/۱۹ و ۱۳۰۸/۸/۳۰ و ۱۳۰۸/۹/۵ و ۱۳۰۸/۹/۷ و ۱۳۳۸/۵/۶ به قانون اصلی که همان ماده ۱۵۲ است اضافه شد و قانون اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۴ راجع به تشکیل دیوان کیفر کارکنان دولت، احکامی چه از حیث ماهیت و چه از جهت شکل راجع به موضوع اختلاس و تصرف غیرقانونی و در برداشت و همین امر موجب سرگردانی دست اندرکاران امر قضا بود. در بند هشت ماده واحده متمم قانون طرز تشکیل و رسیدگی دیوان در سال ۱۳۰۸، قانونگذار به تشریح وظیفه مأمور دولت که در ماده قانون مجازات عمومی مطرح است پرداخته و اشعار می دارد:

« مراد از وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی نه تنها وظیفه ای است که به موجب قانون معین می شود بلکه هر کار و وظیفه ای که مستخدم رسمی یا غیررسمی دولت عملاً یا به امر آمره فوق خود انجام می دهد، وظیفه او شناخته می شود. در بند نه، مقنن به تعریف مستخدم غیر رسمی پرداخته و تعیین نموده است که مقصود از مستخدم غیر رسمی کیست و توضیح داده که چه کسانی تحت عنوان کارمند غیررسمی دولت در صورت ارتکاب ارتشاء یا اختلاس مشمول مقررات موضوعه در این زمینه هستند در این مصوبه مستخدم جزء دو روز مزد را نیز مستخدم غیر



رسمی به حساب آورده است اعم از این که حکم وزارتی داشته یا نداشته باشد. با تصویب این قانون و تشریح و تفسیر مسأله وظیفه مستخدم غیر رسمی اشخاص زیادی را مشمول مقررات ماده ۱۵۲ نمود تا اشخاص در مقام انجام وظیفه به دستور مافوق خود، دست تعدی به اموال دراز نکنند زیرا ممکن بود اشخاص آن را مستمسک قرار داده به بهانه این که وظیفه قانونی خود را انجام نمی داده مشمول مقررات اختلاس نخواهد بود دست تعدی و تجاوز به اموال دولت که در اختیار خودشان بوده دراز کنند. در سال ۱۳۰۹ یک سلسله مقرراتی وضع شد که ماده دوم آن مؤسسات بلدی را تشریح کرد و بیان نمود که مراد از مؤسسات بلدی، مؤسسات و ادارات کشوری است نه افراد عادی و با وضع آن نیز مقداری از افراد عضو مؤسسات و شرکت های خصوصی را از شمول مقررات اختلاس خارج ساخت. در دی ماه ۱۳۱۷ نیز مقرراتی در این زمینه وضع شد از جمله ماده دوم قانون مصوب دی ماه ۱۳۱۷ در مقام تشدید مجازات متخلسین برآمد و ماده چهارم آن مراد مقنن از انفصال ابد از خدمات دولتی را تشریح و متذکر شد که منظور از انفصال ابد از خدمات دولتی در مورد مأموران به خدمات عمومی، انفصال ابد از خدمات در بنگاه های نامبرده در ماده ۳ قانون محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۵/۲/۱۶ و محرومیت از خدمات دولتی و شهرداری و کشوری می باشد. از قوانین موضوعه در زمینه اختلاس می توان به ماده ۴۰۰ قانون آیین دادرسی و کیفر ارتش اشاره کرد که مجازات متخلسین نظامی را معلوم داشته، مقرر می داشت که هر مدیر یا محاسب و صندوق دار یا تحویل دار نظامی که از نقدینه متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد و مطالبات که به منزله نقدینه است یا برگه ها یا حوالجات یا اسناد یا سایر اجناس و اشیای منقول که به حسب وظیفه به او سپرده شده است اختلاس یا تصرف غیر مجاز کند با رعایت مواد ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی و کیفر ارتش قابل مجازات است و از دو سال الی ده سال حبس مجرد را نیز مدنظر داشته که قابل اعمال بر مرتکبین جرم فوق الذکر می باشد. این قانون نظر به اهمیت امور نظامی و رعایت حفظ اموال ارتش و سایر نیروهای مسلح اعم از نظامی و انتظامی از شدت بیش تری برخوردار است که با مجازات مقرر برای سایر اشخاص مختلس در سایر ادارات و وزارتخانه ها تفاوت زیادی دارد و بالاخره ماده ۱۶ قانون قاچاق مصوب سال ۱۳۱۲ و ماده نهم متمم بودجه سال ۱۳۱۰ و ماده چهارم قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۱۲ در این زمینه از قوانین قابل توجه محسوب می شوند. به علاوه چند قانون دیگر مربوط به همین جرایم حاکمیت داشتند اما ماده اصلی همان ماده ۱۵۲ بود که در آن به جای اصطلاح ربودن در ماده ۱۶۹



کد ناپلثونی، اصطلاح اختلاس به کار برده شده بود. زیرا همان طور که قبلاً گفته شد این اصطلاح در فقه اسلامی سابقه دارد و ماده ۱۶۹ قانون مجازات فرانسه در ۲۴ مه ۱۹۴۶ اصلاح شده است. ماده ۱۶۹ قانون مجازات فرانسه از قانون ۲۴ مه ۱۹۴۶ چنین می گوید :

« هر تحصیلدار، هر مأمور وصول، هر امین دارایی یا هر حسابدار که وجوه عمومی یا اختصاصی و اسناد بهادار که به علت شغل سپرده به آن ها بوده سرقت نماید به حبس موقت با اعمال شاقه محکوم خواهد شد به شرطی که قیمت مال مسروقه بیش از صد هزار فرانک باشد ».

باید اضافه کرد به موجب ماده ۱۹ قانون مزبور حداقل حبس با اعمال شاقه پنج و حداکثر آن بیست سال است اما اگر قیمت مال مسروقه از یکصد هزار فرانک کم تر باشد مجازات مختلسین بین دو تا پنج سال خواهد بود. (ماده ۱۷۱ قانون مجازات فرانسه) این دو ماده مربوط به تحصیل داران و حسابداران و ماده ۱۷۳ مربوط به سایر کارکنان دولت است که به موجب آن؛

« هر قاضی، هر کارمند یا هر مأمور خدمات دولتی که اوراق بهادار و اسناد دولتی و سهام سپرده به آن ها را از بین ببرد یا سرقت نماید محکوم به حبس با اعمال شاقه خواهد شد. »

از جمله قوانین دیگر در خصوص اختلاس قبل از انقلاب اسلامی قانون تشکیل دیوان کیفر کارکنان دولت مصوب ۱۳۳۴ می باشد که در سال ۱۳۵۵ مورد اصلاح قرار گرفته است و به موجب این قانون رسیدگی به جرم اختلاس به سبب شغل و وظیفه سایر کارکنان سازمان ها و مؤسسات دولتی و کارکنان شهرداری ها و شهرداران غیر مراکز شهرستان ها در صورتی که مبلغ رشوه از پنج هزار ریال و مورد اتهام در سایر جرایم از سی هزار ریال بیشتر می بود را در صلاحیت دیوان کیفر کارکنان دولت قرار داده بود. قانون گذار ایرانی نیز در سال ۱۳۵۵ به علت پراکنده بودن مواد و مقررات مربوط به اختلاس و تصرف غیرقانونی و نیز لزوم تفاوت مجازات نسبت به میزان اختلاس و تصرف غیرقانونی و این که جرم اختلاس و تصرف غیرقانونی که اولی برداشت و تصاحب مال یا اسناد و اوراق بهادار است و دومی استفاده غیر مجاز از آن ها (بدون قصد تملک) و تزییع اموال و وجوه دولتی به علت اهمال و تفریط یا مصرف در جایی که اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار پیش بینی شده می باشد در ماده واحده و در یک ردیف داشته، مجازات آن ها علی رغم این که عقلاً و منطقاً اولی به مراتب مهم تر و سنگین تر از دومی است، یکسان قرار داده بود و نیز به علت خلط عنوان و جهات دیگر اقدام به اصلاح ماده



مذکور نموده که اختلاس موضوع ماده ۱۵۲ و تصرف غیرقانونی موضوع ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی قرار گرفت. به موجب ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۵ که اشعار می دارد:

« هر یک از اشخاص مذکور در ماده دوم قانون تشکیل دیوان کیفر و جوه نقدی یا مطالبات یا حواله جات یا سهام یا سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان های و مؤسسات مندرج در آن یا اشخاصی را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب کرده یا عمداً تلف نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد؛

در صورتی که میزان اختلاس تا پنج هزار ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس جنحه ای و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس جنایی درجه دو و انفصال دائم از خدمات محکوم می شود و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن نیز محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- مجازات شروع به اختلاس در مواردی که جنحجه محسوب می شود حداقل حبس مقرر برای آن جرم است.

تبصره ۲- هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست، تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید، دادگاه می تواند او را از جزای نقدی معاف نماید.»

قانون گذار برای جلوگیری از طولانی شدن متن ماده از ذکر اشخاص مذکور در ماده دوم قانون تشکیل دیوان کیفر که بسیار گسترده است خودداری نموده بسته به میزان اختلاس (کمتر از پنج هزار ریال یا بیشتر از آن) مجازات های متفاوتی قائل گشته که اقتباس از ماده ۱۶۹ و ۱۷۱ قانون مجازات فرانسه از قانون ۲۴ مه ۱۹۶۴ سابق الذکر است به نظر می آید این اقتباس بجا و شایسته و واقع بینانه است چه این که اختلاس مبالغ ناچیز یک کارمند عادی و مستأصل با اختلاس های چند میلیونی مسئولین عالی رتبه بسیار فرق دارد.

بخش دوم: شروع به جرم اختلاس در قوانین قبل از انقلاب اسلامی

قوانین مربوط به شروع جرم اختلاس در این دوره را می توان در سه بند مورد بررسی و کنکاش قرار داد:

الف) زمان حکومت ماده ۱۵۲

ب) قانون مجازات متخلسین مصوب ۱۳۰۳

ج) قانون دیوان جزای عمال دولت و متمم آن مصوب ۱۳۰۸.

بند اول: زمان حکومت ماده ۱۵۲

با عنایت به این که صلاحیت محاکم براساس مجازات ها در قانون جزای عمومی و اصول محاکمات جزایی مشخص شده، مجازات مقرر در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی فاقد مجازات حبس بوده، در قانون نیز درباره مسأله شروع به جرم اختلاس مطلبی مشهود نبوده لذا برابر قانون مذکور در زمان حکومت ماده ۱۵۲ شروع به جرم اختلاس فاقد مجازات بوده و کسانی که شروع به عمل اختلاس می کردند به علت فقدان عنصر قانونی اقدام و در نتیجه به علت جرم نبودن عمل مستوجب مجازات نبودند مخصوصاً بند پنج ماده ۲۰ قانون جزای عمومی بر این مطلب اشعار می داشت که اگر حکم به پرداخت جزای نقدی نسبی در مورد جرمی مقرر شده باشد از حیث شروع به جرم وقتی حکم به محکومیت متهم داده می شود که در قانون تصریح شده باشد از بررسی قانون جزای عمومی و سایر قوانین حاکم بر قضیه چنین دستوری ملاحظه نمی گردد که با توجه به شرح مرقوم و ماده ۲۲ قانون جزای عمومی می توان گفت که شروع به جرم اختلاس در زمان حکومت ماده ۱۵۲ جرم نبوده، کسی که متهم به شروع به اختلاس بوده به علت فقدان عنصر قانونی جرم، قابل تعقیب کیفری نبوده است.

بند دوم: قانون مجازات متخلسین مصوب ۱۳۰۳

با تصویب قانون مجازات متخلسین مصوب ۱۳۰۳ و تعیین دو نوع مجازات بر متخلسین بر حسب تناسب اختلاس می توان گفت که شروع به جرم اختلاس در مواردی که میزان اختلاس بیش از پانصد تومان بوده چون مجازات مختلس از درجه حبس جنایی بوده لذا شروع به جرم اختلاس با مبلغ مذکور جرم بوده، مرتکب برحسب مورد برابر شقوق یک تا چهارده ماده ۲۰ قانون جزایی عمومی قابل تعقیب و کیفر بوده است. ولی در مورد اختلاس کم تر از پانصد تومان چون مجازات



آن از درجه جنحه بوده مقتن نیز در قانون شروع به جرم اختلاس را به تصریح قابل تعقیب نمی‌دانست، با توجه به ماده ۲۳ قانون جزای عمومی و نظر به شرح فوق شروع به ارتکاب اختلاس از این نوع یعنی اختلاس کم تر از پانصد تومان جرم نبوده، مرتکب آن به علت فقدان عنصر قانونی قابل تعقیب و مجازات نبوده است.

بخش سوم: مرجع صالح رسیدگی به جرم اختلاس قبل از انقلاب اسلامی

اختلاس و همچنین سایر جرائم مالی کارمندان دولت به صورتی که امروزه مطرح است در دوران قبل از انقلاب مشروطیت مطرح نبوده است و با متخلس مانند کسی که از غیر حرز سرقت کند رفتار می‌شد اما بعد از تصویب اصول محاکمات جزایی و قانون مجازات عمومی رسیدگی به اتهام مأمورین دولتی که اموال دولت یا اشخاص نزد آنها برحسب وظیفه قرار داشت و مرتکب سوء استفاده به نفع خود یا دیگری گردیده و دست به خیانت بر اموال مذکور می‌زدند در محاکم متشکله برطبق قانون آیین دادرسی رسیدگی می‌گردید و مجازات مرتکبین چنین جرمی انفصال ابد از خدمات دولتی و تأدیه غرامتی معادل نصف مال مورد اختلاس بوده که علاوه بر رد غبن یا ارزش اموال مختلس می‌بایست به وسیله مختلسین تأدیه می‌شد تا اینکه قانون مجازات مختلسین اموال دولتی مصوب ۱۳۰۶ به تصویب رسید و صرف نظر از اینکه مسئله اشاره به ماده ۲ قانون جزای ۱۳۰۴ در رابطه با کسانی که مال مورد اختلاس و غرامت معین را نپرداخته باشند در ماده ۲ برای مرتکبین اختلاس بعد از تصویب این قانون مجازات‌هایی مقرر داشت و رسیدگی به اتهام مختلسینی که کمتر از پانصد تومان اختلاس نموده باشند با توجه به میزان مجازات که از شش ماه الی دو سال حبس جنحه ای بوده است به دادگاه جنحه « دادگاه شهرستان رسیدگی کننده به امور کیفری » محول شد و رسیدگی به اتهام مختلسینی که بیشتر از مبلغ پانصد تومان اختلاس کرده باشند با توجه به نوع مجازات که از دو الی ده سال حبس جنایی بوده است به دادگاه عالی جنایی محول گردید. با تصویب قانون تشکیل دیوان جزای عمال دولت که بوسیله قوانین بعدی در آن اصلاحاتی به عمل آمده دیوان جزا که مدتی بعد به نام دیوان کیفر کارکنان دولت نامیده شد مرجع اختصاصی رسیدگی به این جرائم گردیده این دیوان صرفاً دارای رسیدگی به جرایم اختلاس و ارتشاء بوده و صلاحیتش تمام قلمرو کشور را شامل می‌شد. در سال ۱۳۰۸ قانون دیوان جزای



عمال دولت و متمم آن تصویب و مقرر گردید کلیه جرایمی که کارکنان دولت به اعتبار شغل اداری خود مرتکب می شوند در دیوان جزا رسیدگی شود. پس از تحقیقات مقدماتی پرونده برای صدور حکم به دادگاه دیوان جزا ارسال می شد. دادگاه های دیوان جزای عمال دولت مرکب از یک رئیس و دو عضو دیگر بود و هر موضوعی که در جلسه محاکمه مطرح می شد دادگاه می بایست نسبت به آن موضوع رسیدگی می نمود ولو اینکه از صلاحیتش خارج باشد و محکمه دیوان جزا حق داشت دادستان دیوان را برای توضیح به محکمه احضار نماید. همچنین بند ۸ ماده واحده متمم قانون دیوان جزای عملی دولت وظیفه مورد نظر مقنن در ماده ۱۵۲ را تبیین نمود و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی که به موجب قانون یا نظام نامه های اداری یا سابقه عمل یا امر مافوق سپرده به شخص مستخدم یا سپرده به مادون اوست به عمل آید مقنن در حکم اختلاس قرار داده و رسیدگی را بر عهده محکمه اداری محول نمود به شرط اینکه مال مذکور کمتر از پانصد ریال باشد والا رسیدگی به چنین جرایمی که میزان تصرف غیرقانونی در حکم اختلاس بیش از پانصد ریال بوده به عهده دیوان جزا محول گردید. در سال ۱۳۰۸ مقرر گردید چنانچه مبلغ اختلاس پنجاه تومان یا کمتر و مبلغ ارتشاء بیست تومان یا کمتر باشد در دادگاه اداری رسیدگی شود و بیش از این مبالغ قابل رسیدگی در دیوان جزای عمال دولت خواهد بود. در سال ۱۳۱۳ قانونی تصویب شد که به وزیر عدلیه اختیار داد هر یک از مواد قانونی مربوط به تشکیلات و اصول دادرسی دیوان جزای عمال دولت را صلاح بدانند تغییر داده و براساس اصلاحات و تغییرات انجام شده به مدت شش ماه رسیدگی ها انجام و پس از شش ماه از تاریخ اجرای اصلاحات، اصلاحی را برای تصویب به مجلس بدهد. در سال ۱۳۱۳ به موجب لایحه قانونی حذف محاکم اختصاصی دیوان کیفر و دادرسی آن منحل شد و رسیدگی به جرائم مربوط به آن به دادرسی و دادگاه های عمومی محول شد اما مجدداً در سال ۱۳۳۴ دیوان کیفر کارکنان دولت به موجب لایحه مربوط به دیوان کیفر کارکنان دولت تأسیس شد و مقرر گردید دیوان جزای عمال دولت جای خود را به دیوان کیفر کارکنان دولت داده و این دیوان با صلاحیت رسیدگی به جرایم استانداران، معاونین وزارتخانه ها، مدیران کل، فرمانداران، روسای ادارات مراکز استان ها، شهرستان ها و کارمندان قضایی تشکیل شود. دیوان کیفر کارکنان دولت از سه قسمت مجزا که عبارت بودند از دادرسی ها، دادگاه ها و قسمت دفتری تشکیل شده بود. وزیر دادگستری در تعیین اعضای دادگاه و دادرسی



دخالت داشته و آن‌ها را انتخاب می‌نمود و ریاست عالیہ دادسرا را بر عهده داشت و اقدامات دادستان دیوان برای تعقیب مظنونین به اختلاس و سایر جرایم مستخدمین و مأمورین دولتی را تحت نظارت مستقیم خود قرار می‌داد. دادستان دیوان کیفر به محض اینکه از وقوع جرم اختلاس یا تصرف غیرقانونی مطلع می‌شد در صورتی که قراین و امارت کافی برای تعقیب وجود داشت بلافاصله این کار را می‌کرد و گرنه پس از تفتیش و به دست آوردن قرائن و امارات کافی یکی از مستخدمین را مأمور رسیدگی می‌نمود. دادگاه‌های دیوان کیفر در ردیف شعب جزایی دادگاه استان بودند صلاحیت دیوان کیفر در خصوص رسیدگی به جرایم به نحوی بود که اگر متهم به اختلاس یا تصرف غیرقانونی به یک یا چند جرم دیگر ولو مهمتر از اختلاس یا تصرف غیرقانونی نیز متهم بود در دیوان کیفر محاکمه می‌شد و رسیدگی به سایر جرایم او هم در دیوان به عمل می‌آمد ولی در مواردی که جرم مهمتر مستلزم مجازات اعدام بود تعقیب رسیدگی مطابق مقررات اصول محاکمات جزایی و محاکمه در دیوان عالی صورت می‌گرفت.

بند اول: جرم اختلاس در نظام کیفری ایران پس از انقلاب اسلامی

اولین قانونی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در خصوص اختلاس به تصویب رسید قانون تعزیرات در سال ۱۳۶۲ بود که ماده ۷۵ قانون مذکور اختلاس را جرم دانسته و مقرر می‌داشت: « هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت یا مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی و دیوان محاسبات عمومی و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و دارندگان پایه‌های قضایی و جوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و موسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که برحسب وظیفه به آنها سپرده شده است. به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کرده به عنوان مختلس علاوه بر مجازات مقرر اداری در وجه یا مال مورد اختلاس به حبس از ۶ ماه تا ۵ سال محکوم می‌شود. تبصره کارمندان و کارکنان قوای مقننه و قضاییه نیز مشمول مقررات این ماده خواهند بود ». در این ماده (ماده ۷۵ قانون تعزیرات) قانون گذار شمول و حیطه جرم اختلاس را گسترده تر از قوانین سابق نموده است و برای اولین بار جرم اختلاس و تصرف غیرقانونی از یکدیگر تفکیک گردیدند. در سال ۱۳۶۷ قانون تشدید



مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری پس از کش و قوس‌های فراوانی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید و ماده ۵ این قانون (قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و اختلاس و کلاهبرداری) جانشین ماده ۷۵ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ گردید و سعی کرده که این قانون شامل حال افراد زیادی از کارمندان و کارکنان باشد به عبارت دیگر مقنن در صدر ماده ۵ در مقام تکمیل ماده ۷۵ قانون تعزیرات برآمده و کارکنان و کارمندان نهادهای انقلابی، نیروهای مسلح و شوراها و شهرداری ها را نیز به تصریح داخل در موضوع نموده است. این ماده (ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری) اکنون رکن قانونی بزه اختلاس را تشکیل می‌دهد که در بحث ارکان تشکیل دهنده جرم اختلاس در مبحث دوم فصل اول به آن اشاره شد. با خط سیری که قوانین مربوط به اختلاس از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۶۷ طی نموده است ملاحظه می شود که قانون‌گذار در سال ۱۳۵۵ دامنه شمول مستخدمینی را می توانستند مرتکب جرم اختلاس شوند را گسترش داد در حالی که قبل از آن دسته ای خاص از مستخدمین یعنی مستخدمین مالی و تحصیل‌داران و معاونین آن‌ها و امانت‌داران و محاسبین و اعضاء صندوق می توانستند مرتکب اختلاس شوند. طبق قانون مصوب ۱۳۵۵ سایر کارکنان و سازمان‌ها و موسسات دولتی نیز ممکن بود مرتکب این جرم شوند به علاوه در سال ۱۳۰۴ اختلاس فقط در مورد اموال منقول ممکن بود ولی در سال ۱۳۵۵ این جرم هم در مورد اموال منقول و هم در مورد اموال غیرمنقول امکان پذیر شد همچنین در سال ۱۳۵۵ اختلاس و تصرف غیرقانونی که قبلاً در یک ماده بود جدا شد و در دو ماده مجزا مورد حکم قرار گرفت. مقنن در قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ تغییراتی در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۵ به وجود آورد این تغییرات عبارت بودند از اینکه اولاً از انفصال دائم ذکری به میان نیاورد و فقط به تصریح مجازات اداری اکتفا نمود ثانیاً تفاوتی را که قبلاً به نسبت مبلغ مورد اختلاس در میان وجود داشت از بین برد بدین ترتیب هرکسی به هر میزان که اختلاس می کرد در تشدید مجازاتش تأثیری نداشت ثالثاً جزای نقدی معادل دو برابر میزان مورد اختلاس را نیز از میان برداشت اما قانون‌گذار در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مجدداً مجازات جرم اختلاس را به وضعیت سابق در قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۵ بازگرداند با این تفاوت که در این قانون مجازات انفصال از خدمات دولتی در موردی که به میزان اختلاس تا پنج هزار ریال باشد اضافه



گردید. از جمله قوانین و مقرراتی که در آن به جرم اختلاس اشاره شده است مقرراتی است که در خصوص اختلاس های انجام شده توسط نیروهای مسلح مورد تصویب قرار گرفته است هر چند ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ نیروهای مسلح را نیز شامل می شد اما در مورد نظامیان در سال ۱۳۷۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح تصویب و ماده ۹۴ آن قانون مقررات خاصی در مورد اختلاس نظامیان بیان نموده است که این قانون با تصویب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جدید به تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱ ملغی گردیده است. در قانون جدید از ماده ۱۱۹ الی ماده ۱۲۴ به اختلاس اختصاص داده شده است. ماده ۱۱۹ این قانون چنین اشعار می دارد:

« هر نظامی وجود یا مطالبات یا حواله ها یا اسناد و اشیاء و لوازم و یا سایر اموال را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نماید مختلس محسوب و علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس حسب مورد به مجازات زیر محکوم می شود:

الف - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهای مال مورد اختلاس تا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و تنزیل درجه یا رتبه

ب- هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس بیش از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا مال مورد اختلاس و تنزیل دو درجه

ج - هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس از سه تا پانزده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و اخراج از نیروهای مسلح.

تبصره ۱- چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد مرتکب به مجازات هر دو جرم محکوم می شود.

تبصره ۲ - هرکس با علم به اینکه اموال مورد اختلاس فوق الذکر به نیروهای مسلح تعلق دارد آن را خریداری یا در تزییع آن مساعدت نماید علاوه بر استرداد اموال یا حسب مورد (مثل یا قیمت آنها) به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود».

موضوعی که در این جا به ذهن متبادر می شود و دارای اهمیت می باشد این است که با توجه به ماده مذکور آیا ماده پنج قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری درخصوص نظامیان قابلیت اعمال دارد یا خیر؟ یا اینکه باید در اصل مجازات به قانون اخیرالتصویب استناد نمود و در سایر موارد مربوط که در تبصره های ماده پنج ذکر شده است به تبصره های مزبور استناد نمود؟

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۱۰۶۱۹ مورخه ۱۳۷۱/۱۰/۲۶ چنین اظهارنظر نموده است که:

« قبل از تصویب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح اعضاء نیروهای مسلح طبق مواد ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مجازات می شده اند اما با تصویب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، نیروهای مسلح مشمول قانون خاص گردیدند و طبق آن مجازات می شدند مع الوصف هر جا که حکمی از قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مسکوت مانده بایستی مقررات قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری را حاکم دانست»

بنابراین باید تبصره ۴ مواد ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری را در مورد نظامیان حاکم دانست.

بند دوم: شروع به جرم اختلاس در قوانین بعد از انقلاب اسلامی

قوانین مربوط به شروع اختلاس در قوانین بعد از انقلاب اسلامی را می توان در دو بند بیان کرد:

الف - قبل از تصویب قانون مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری

ب- بعد از تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری .

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ و با تصویب قانون تعزیرات و قانون راجع به مجازات اسلامی و با توجه به این که در ماده ۱۸ قانون راجع به مجازات اسلامی شروع به ارتکاب جرم در صورتی قابل مجازات اعلام شده که در قانون تصریح به آن شده باشد و در قانون تعزیرات بالاخص ذیل ماده ۷۵ برای کسی که مرتکب شروع به اختلاس می شود مجازاتی مقرر نشده باشد لذا تا تاریخ قابل اجراء بودن قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری که به تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید عمل شروع به اختلاس فاقد جنبه جزایی بوده و مرتکبین شروع به اختلاس به علت فقدان عنصر قانونی عمل خویش قابل تعقیب و کیفر نبودند. براساس ماده شش قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری شروع به اختلاس جرم بوده و مجازات آن حداقل مجازات مقرر بر اختلاس می باشد.

ماده شش قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری اشعار می دارد:

« مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنان چه در مرتبه کل یا بالاتر یا هم طراز آن ها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می شوند».

ماده هشت قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری تصریح می کند که کلیه مقررات مغایر این قانون لغو می شود.

با عنایت به مطلب فوق و نیز توجه به اینکه در زمان تصویب این قانون مقررات ماده ۲۰ قانون راجع به مجازات اسلامی درباره شروع به جرم حاکم بوده است که این ماده اشعار می داشت که:

« شروع به جرم وقتی قابل مجازات است که در قانون به آن تصریح شده باشد ».

چنان که ملاحظه شد ماده شش قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری شروع به اختلاس را جرم و قابل تعقیب و مجازات می داند.

با توجه به مطالب فوق، اگر متهم قصد اختلاس مالی یا وجهی تا مبلغ پنجاه هزار ریال کرده شروع به مرحله اجرا نموده ولی عوامل خارج از اراده وی مانع از تحقق جرم باشد مجازات چنین شخصی حداقل مجازات اختلاس کمتر از پنجاه هزار ریال یعنی شش ماه حبس خواهد بود و اگر قصد اختلاس بیش از مبلغ پنجاه هزار ریال را داشته و شروع به اجراء نموده ولی در عمل موفق نشده مجازات متهم حداقل مجازات مقرر به اختلاس بیش از پنجاه هزار ریال خواهد بود که دو سال حبس است و مسأله انفصال او از خدمات دولتی نیز تابع مقام و منصب اداری او می باشد. بدیهی است چنانچه اقدامات فرد در مجموع عنوان جزایی دیگری داشته باشد علاوه بر مجازات همان جرم نیز محکوم می شود زیرا چنان که در ماده شش ملاحظه شد علاوه بر مجازات شروع به اختلاس مجازات این صورت را نیز در نظر گرفته است.

چند سالی از موعده تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری نگذشته بود که در هفتم آذرماه سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید و برای اجراء به محاکم ابلاغ شد. قانون گذار در ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی به عنوان حکم عام شروع به جرم اشعار می دارد:

« هر کسی قصد ارتكابی جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم مورد نظر واقع نشود چنان چه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود.

۱۷۹



تبصره ۱ - مجرد قصد ارتكاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد، شروع به جرم نبوده، از این حیث قابل مجازات نیست.

تبصره ۲ - کسی که شروع به جرمی کرده است و به میل خود آن را ترک نماید و اقدام انجام شده جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد.

در قانون جدیدالتصویب مجازات اسلامی مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ شروع به جرم در خصوص کلیه جرائمی موضوع مواد ۱۲۲ الی ۱۲۴ می باشد که به شرح زیر خواهند بود.

ماده ۱۲۲ اشعار می دارد :

« هرکس قصد ارتكاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند به شرح زیر مجازات می شود :

۱- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار .

۲- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج.

۳- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش .

تبصره - هرگاه رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته لکن به جهات مادی که مرتكب از آن‌ها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است».

همچنین ماده ۱۲۳ اشعار می‌دارد :

« مجرد قصد ارتكاب جرم و یا عملیات یا اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد».

و بالاخره ماده ۱۲۴ اشعار می‌دارد: « هر کسی شروع به جرمی نماید به اراده خود آن را ترک نماید به اتهام شروع به آن جرم تعقیب نمی‌شود لکن اگر همان مقدار در رفتاری که مرتكب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می‌شود». از مجموعه مباحث مطرح شده مشخص گردید از زمان تصویب قانونی تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به موجب ماده شش این قانون تا بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی در اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ شروع به جرم دارای مجازات می‌باشد.

بخش چهارم: مرجع صالح رسیدگی به جرم اختلاس بعد از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به موجب ماده ۸ لایحه تشکیل دادگاه‌های عمومی دیوان کیفر مجدداً منحل گردید و رسیدگی به جرایمی که در صلاحیت دیوان کیفر بود به عهده دادگاه‌های عمومی دادرها گذاشته شد. به موجب تبصره یک ماده ۸ این قانون به جرایمی که رسیدگی به آن صلاحیت دیوان کیفر کارکنان دولت بود در دادگاه‌های جزایی مرکز استان رسیدگی می‌شد.

با انحلال دادگاه های عمومی در سال ۱۳۶۱ و تشکیل دادگاه های کیفری ۱ و ۲ رسیدگی به جرایم اختلاس و تصرف غیرقانونی مانند سایر جرایم عمومی در صلاحیت این دادگاه ها قرار گرفت که البته باز هم دادگاه های کیفری مراکز استان برای رسیدگی به این جرایم صالح بودند. در این خصوص رأی وحدت رویه ای از سوی هیأت عمومی دیوان عالی کشور صادر گردیده است که به شرح ذیل است:

« نظر به اینکه برابر تبصره ذیل ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۰ به جرایم داخل در صلاحیت دیوان کیفر کارکنان دولت باید در دادگاه های جزایی مراکز استان رسیدگی به عمل آید و نظر به اینکه حسب حسب جمله اضافه شده به ماده یک قانون مرقوم دادرسی عمومی در معیت دادگاه عمومی انجام وظیفه می نماید علیهذا رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاه کیفری مرکز استان بوده است». تا قبل از تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری در سال ۱۳۶۷ با توجه به میزان مجازات تعیین شده برای جرم اختلاس رسیدگی به این جرم در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ بود زیرا مجازات مقرر در ماده ۷۵ تعزیرات برای جرم اختلاس حداکثر ۵ سال حبس بوده است که وفق قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ رسیدگی به چنین مواردی در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ قرار داشت و رأی وحدت رویه شماره ۵۰۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز موید این نکته است. رأی مزبور به شرح ذیل است:

« مجازات کیفری جرم اختلاس در ماده ۷۵ قانون تعزیرات ۵ سال حبس معین شده و رد وجه یا مال مورد اختلاس به هر میزانی که باشد جزای نقدی یا مجازات محسوب نبوده و در امر صلاحیت دادگاه تأثیری ندارد بنابراین رسیدگی به جرم اختلاس در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ می باشد و این رأی بر طبق ماده واحده رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاه و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است». پس از قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری با توجه به اینکه مجازات جرم اختلاس تغییر کرد و مجازات جرم در موارد مختلف و با توجه به میزان اختلاس متفاوت گردید صلاحیت دادگاه های کیفری ۱ و ۲ در هر مورد برحسب میزان مجازات مشخص می گردید. با تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در



تاریخ ۱۳۷۴/۴/۱۵ دادگاه های کیفری ۱ و ۲ ملغی و دادگاه های عمومی جایگزین آن ها شد و با توجه به مجری بودن این قانون در حال حاضر به تشریح آن می پردازیم.

بند اول: دادگاه های عمومی

به موجب مواد ۱ و ۲ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۴/۴/۱۵ رسیدگی به جرایم مستخدمین دولت نیز همانند مابقی جرایم در صلاحیت دادگاه های عموم قرار گرفت و لیکن شبهه ای که مطرح بود این که آیا رسیدگی به این گونه جرایم در صلاحیت دادگاه های جزایی مراکز استان بود یا این که دادگاه های عمومی شهرستان صلاحیت رسیدگی به جرایم مذکور را داشته اند؟

اداره حقوقی قوه قضاییه با نظریه مشورتی شماره ۷/۱۸۵۸ مورخه ۱۳۷۴/۴/۱۹ در پاسخ یکی از محاکم در این خصوص چنین پاسخ داده است:

« فلسفه و مصلحتی که وضع تبصره یک ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی سال ۱۳۵۸ را موجب شده هنوز به قوت خود باقی است و چون در قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب سال ۱۳۷۴ هم خلاف آن به تصویب نرسیده است. لذا در حال حاضر دادگاه های عمومی مراکز استان صالح به رسیدگی به جرایم مذکور در آن تبصره می باشند». با توجه به ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب رئیس قوه قضاییه می توانست شعبه های خاص از هر حوزه قضایی را برای رسیدگی به جرایم مستخدمین دولت اختصاص دهد و در حال حاضر نیز حوزه قضایی تهران تمامی جرایم مستخدمین دولت در دادرسی ویژه کارکنان دولت و مجتمع خاص کارکنان دولت رسیدگی می شود. مطلب قابل ذکر این که تبصره یک ماده هشت قانون تشکیل دادگاه های عمومی اصلاحی ۱۳۵۸/۱۲/۱۴ استثنایی بر اصل صلاحیت محلی موضوع ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری سابق و ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که مقرر می دارد:

« شرکاء و معاونین جرم در محکمه ای محاکمه می شوند که صلاحیت حکم را درباره مجرم اصلی دارد». مطلب دیگری که مطرح می باشد این است منظور از کلمه جرایم در ارتباط با مقامات مذکور در تبصره یک ماده ۸ لایحه قانون تشکیل دادگاه های عمومی جرایمی است که بالاصاله و

بالمباشره توسط آن‌ها واقع می‌شود و در واقع تبصره مذکور استثنایی بر اصل صلاحیت محلی موضوع ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری سابق و ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ است که مقرر می‌دارد:

« شرکاء و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام جرم اصلی را دارد.»

بند دوم: دادگاه‌های اختصاصی

در مواردی ممکن است دادگاه‌های انقلاب یا دادگاه‌های نظامی و یا دادگاه ویژه روحانیت به جرم اختلاس رسیدگی نمایند که برای تشریح مطلب موضوع را در قسمت‌های مجزا و جداگانه‌ای بررسی می‌کنیم. ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب چنین مقرر می‌دارد:

« به تعداد مورد نیاز دادگاه‌های انقلاب در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رئیس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد تحت نظارت و ریاست داری رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد و به جرایم ذیل رسیدگی می‌نماید:

- ۱- کلیه جرائم علیه امنیت داخلی، خارجی و محارب و افساد فی الارض.
- ۲- توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.
- ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب موسسات به منظور مقابله با نظام
- ۴- جاسوسی به نفع اجانب
- ۵- کلیه جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر
- ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی.»

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد یکی از موارد صلاحیت دادگاه انقلاب در خصوص دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی می‌باشد اصل ۴۹ در خصوص رسیدگی و تعیین تکلیف ثروت



های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین موات و مباحات اصلی می باشد.

وفق ماده ۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴:

« هر يك از وزارتخانه ها، سازمان ها، شركت ها و دانشگاه های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری ها در برابر سوابق وزراء، معاونان، مدیران، کل وزارتخانه و استان، ذی حساب ها، استانداران، فرمانداران، شهرداران، روسا و مدیریت ها و سرپرستان سازمان ها و شركت ها و حسب مورد پرونده های طرفین قراردادها و مقاطعه کاری ها و سوء استفاده ها و تبانی غیرقانونی و افراد و عوامل حیف و میل بیت المال برخورد نموده و موضوع را به شکایت، دادخواست و یا گزارش در محاکم قضایی مطرح کنند رسیدگی به جرایم فوق الذکر در صلاحیت دادگاه انقلاب است » طبق ماده ۱۰ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در صورتی که در دادگاه ثروت نامشروع از ارتکاب جرم حاصل شده است مجرم را به مجازات لازمه محکوم می نماید مشروط بر اینکه در مورد جرم مذکور قبلاً رأی صادر نشده و یا مشمول عفو مقام معظم رهبری واقع نشده باشد. یکی دیگر از مواردی که ممکن است جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گیرد هنگامی است که جرم ارتكابی در حدی باشد که بتوان آن را جرم علیه امنیت داخلی و افساد فی الارض تلقی کرد در این گونه موارد طبق بند یک از ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب بر عهده دادگاه انقلاب است مثلاً اگر کسانی با تشکیل یا رهبری شبکه چندنفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند عملشان از مصادیق افساد فی الارض می باشد (موضوع ذیل ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷) رسیدگی به جرایم آنان در صلاحیت دادگاه انقلاب است در این خصوص رأی وحدت رویه شماره ۵۷۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور عملاً در خصوص ارتشاء موید این مطلب است و از وحدت ملاک موضوع می توان نتیجه گرفت که در خصوص اختلاس و سایر جرایم موضوع قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری قابل اعمال می باشد.

رأی شماره ۵۷۱-۱۱/۱-۱۳۷۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شرح ذیل می باشد:

« جرم ارتشاء که مجازات آن در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب پانزدهم آذرماه ۱۳۶۷ و تبصره های مربوط به تناسب قیمت مال یا وجه

مأخوذه معین شده از جرایم عمدی می‌باشند و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه های عمومی دادگستری است. ماده ۴ این قانون ناظر بر تشدید مجازات کسانی می باشد که با رهبری شبکه چند نفری برای اختلال در نظام جمهوری اسلامی ایران باشد مورد مشمول ماده مرقوم می گردد و رسیدگی با دادگاه های انقلاب اسلامی خواهد بود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است».

دادگاه ویژه روحانیت: در صورتی که یکی از روحانیون که در استخدام دولت است مرتکب جرم اختلاس یا تصرف غیرقانونی در اموال دولت شود با توجه به ماده ۱۳ آئین نامه داسراها و دادگاه های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹/۵/۱۵ که رسیدگی به کلیه جرائم عمومی روحانیون را در صلاحیت داسراها و دادگاه های ویژه روحانیت قرار داده است و به جرایم آنان در دادگاه مذکور رسیدگی می‌شود بنابراین اگر روحانی مرتکب جرم اختلاس شود در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه می‌شود و در مورد او رأی صادر خواهد شد.

دادگاه نظامی: اصل ۱۷۲ قانون اساسی رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نیروهای مسلح را در صلاحیت دادگاه های نظامی قرار داده است بر همین اساس ماده یک مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۷ مجلس شورای اسلامی دادگاه های نظامی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد مشمول شمول قانون مذکور رسیدگی می نمایند. بنابراین با توجه به مراتب فوق در صورتی که نظامیان مشمول قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مرتکب جرم اختلاس شوند (به کسب وظایف خاص نظامی) در دادگاه های نظامی محاکمه خواهند شد.

نتیجه گیری

جرم اختلاس و تصرف غیر قانونی از جنبه های بسیار از جمله موضوع جرم ، شرط تسلیم قبلی مال ، سببیت شغل ووظیفه در تسلیم و تصرف مال ، شرط وصف و خصوصیت مرتکب با یکدیگر اشتراک داشته ، جنبه هایی که این دو جرم را از یکدیگر متمایز می سازد از این قرار است :



۱- رفتار مجرمانه ، که در اختلاس به تصریح قانون گذار (برداشت و تصاحب) و در تصرف غیر قانونی (استفاده یا مصرف غیر مجاز) است . با آن که قانون گذار در باب خیانت در امانت ، هر یک از رفتارهای مذکور را مصداقی از رفتار خائنانه به حساب آورده و بر همه آنها یک اثر جزایی مترتب ساخته است ، ولی در باب خیانت ماموران و کارمندان دولت نسبت به مالی که به سبب شغل ووظیفه به آنها سپرده شده ، دو اثر جزایی کاملاً متفاوت را بر هر یک از رفتارهایی که مصداقی از رفتار خائنانه است مترتب ساخته است .

۲- نتیجه جرم و سوءنیت خاص ، از حیث نتیجه نیز این دو جرم با هم تفاوت دارند ؛ اختلاس جرمی مفید ، و تصرف غیر قانونی جرمی مطلق است . تحقق اختلاس به پیدایش نتیجه وابسته و نتیجه آن ، ورود ضرر به دولت است که همزمان با تصاحب به وجود می آید ، ولی تصرف غیر قانونی نیاز به نتیجه ندارد و رفتار مرتکب حتی اگر موجب ورود زیان به دولت نشده باشد قابل مجازات خواهد بود. به همین دلیل ، اختلاس در بعد رکن معنوی نیاز به سوءنیت خاص دارد ، ولی در تصرف غیر قانونی ، وجود این جزء از رکن معنوی ضرورت ندارد.

قرابت و نزدیکی بین این دو جرم ، باعث می شود که در عمل با رفتارهایی مواجه شویم که شمول هر یک از عناوین جزایی مذکور بر آنها بعید نباشد ، خصوصاً در مورد بعضی از مصداق مال ، مثل وجوه نقد و مطالبات ، چنین تردیدی بیشتر می شود. در چنین مواردی ضرورت دارد ضمن دقت در جزئیات رفتار مجرمان و با مد نظر قرار دادن وجوه اشتراک و افتراقی که برای جرایم مذکور بیان داشتیم ، تحلیلی درست و واقع بینانه از قضیه ارائه کنیم و در صورتی که رفع تردید میسر نگردید ، به اقتضای قاعده تفسیر به نفع متهم ، اولی آن است که رفتار انجام شده را تصرف غیر قانونی به حساب آوریم . رکن مادی جرم اختلاس این است که مختلس مالی را که به سبب وظیفه به او سپرده شده است تصاحب و در آن تصرف مالکانه بنماید. در حقیقت جوهره اختلاس به تغییر نیت متهم بر می گردد که حیازت ناقصه‌ای که به اعتبار کارمند دولت بودن، به وی داده شده است به حیازت کامل تغییر دهد. یعنی نیت خود را متوجه تملک مالی کند که در اختیارش می‌باشد و به عنوان یک مالک با او برخورد کند، منتهی باید همراه با این نیت یک سلسله عملیات و افعال مادی که جرم در آن تحقق می‌یابد، انجام دهد و باید این عمل به گونه‌ای باشد



که قاطعانه دلالت بر نیت متهم نسبت به تصاحب مال سپرده شده به او، بنماید. بنابراین هرگاه مختلس عملی را انجام دهد که به صورت قاطع کشف از توجه نیت کارمند به تملک مالی که در اختیارش به حکم وظیفه است، بکند، برای تحقق جرم اختلاس کفایت می‌کند. بنابراین در معرض فروش قرار دادن مال یا رهن یا هبه یا قرض و انفاق و مصرف آن در یک امر عمومی با این بهانه که متهم بر ذمه دولت، طلبی دارد و بین مورد اختلاس و حقیقت تقاص حاصل شده یا این که یک ضمانت مالی را در نظر گرفته که در صورت نقص، به آن رجوع شود و صدها مورد دیگر نمی‌تواند، راهی برای فرار از جرم اختلاس باشد. چنانکه هرگاه حسابدار در محاسبات خود عاجز شود یا این که حسابهای وی تراز نباشد و یا تأخیر در رد مال در زمان مقرر یا محال بودن برگشت مال، نمی‌تواند حاکی از تحقق جرم اختلاس باشد زیرا ممکن است این اعمال به خاطر خستگی و اشتباه حسابها و اهمال ناشی از عمل دیگری؛ مثل سرقت، یا قوه قاهره یا آتش سوزی و غیره باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع و ماخذ

- ۱- محمودی، عباسعلی (۱۳۷۷) روزنامه سلام، شماره ۲۲۰۳ مورخ ۱۴ دی ۱۳۲۲.
- ۲- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵) جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات ویستار، چاپ دوم، ص ۱۳۲.
- ۳- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۶) جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ دوم، ص ۱۶۰.
- ۴- شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش (۱۳۸۵-۱۳۷۱) نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱، ناشر: روزنامه رسمی کشور، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۴۶۴ (شماره و تاریخ نظریه ۷/۳۷ - ۱۳۷۰/۳/۲۷)
- ۵- کشاورز، بهمن (۱۳۷۵) مجموعه محشای قانون تعزیرات، گنج دانش، چاپ اول، ص ۱۵۱.
- ۶- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۳) حقوق جزای اختصاصی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ص ۳۱۵.
- ۷- آشوری، دکتر محمد (۱۳۷۶) عدالت کیفری (مجموعه مقالات) انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران.
- ۸- گلدوزیان، دکتر ایرج (۱۳۸۲) حقوق جزای اختصاصی، چاپ هشتم، تهران.
- ۹- میرمحمد صادقی، دکتر حسین (۱۳۸۲) حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)، انتشارات میزان، چاپ دهم.
- ۱۰- مهاجری، علی (۱۳۷۹) جرایم خاص کارکنان دولت، انتشارات کیهان، چاپ اول.
- ۱۱- آزمایش، دکتر علی (۱۳۷۶) تقریرات حقوق جزای اختصاصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،
- ۱۲- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳) محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، ص ۳۱۹.
- ۱۳- شکری، رضا (۱۳۸۴) خلاصه مباحث حقوق جزا و جرم شناسی، نشر پردازش، چاپ دوم
- ۳- رضانی، احمد (۱۳۷۹) ارکان جرم اختلاس، نامه مفید، شماره ۲۴

